

جهاد، جلوه عشق امام به گمگشتگان دیار فراموشی...

سنگرزان بی سنگر در آئینه توصیف جهادگر شهید سید مرتضی آوینی



این امت در برابر تجاوز بیگانگان، نشان داد که یاران حقیقی اسلام، آنان که در آزمون خطر، بر دوستی و صدق و وفاداری خویش استوار می مانند، چه کسانی هستند. چه کسی می توانست زیباتر از امام امت این شجره اش را که خود به دست خویش کاشته بود بستاند؛ «جهاد شامل دنیای آزادی و استقلال در عرصه کار و تلاش و در پیکار علیه فقر و تنگدستی و ذلت است. اکنون که استقلال سیاسی این نظام مقدس بعد از یک مدافعه طولانی جبهه های سیاسی و نظامی به تمامی محقق گشته است؛ جا دارد که در این کنگره سراسری جهادگران، آن عزم نخستین، یک بار دیگر در جهت دستیابی به استقلال کامل اقتصادی تجدید شود و جهادسازندگی آگاهی و حضور خود را برای ساختن این فردای مستقل، همراه با دیگر اجزای پیکره واحد این نظام و با همان شور و اشتیاق و وسعتی که در طول هشت سال دفاع مقدس از خود نشان داده است، اعلام دارد».

امام! فرمودی چشم امید من به شما سازندگان پرشور و نشاط اسلامی است و اکنون بر بیعت ما که همچنان باقی است، یک بار دیگر شهادت دهید. ما سازندگان پرشور و نشاط، همان سان که شما می خواستید، خواهیم ماند و در زیر آسمان بلند عنایات روح عظیم شما، وصی و برادران، رهبر معظم رهبری انقلاب اسلامی را در طی طریق شما در صراط مستقیم کتاب خدا و سنت و عترت رسول او، همچنان اطاعت خواهیم کرد. خداوند شفاعت شما را در حق ما و این امت صادق و نستوه بپذیرد و ما را با شهدائی که اکنون در جوار قرب و رزق شما جای دارند، محشور گرداند.

مقاله ارائه شده به گردهمایی جهادگران ۱۳۶۹

قیامی عظیم که در فرد امام مظهریت یافته بود. برای نجات بشر شوم بخت امروز از غرقاب جاهلیتی دیگر، جاهلیتی که بنیان خویش بر اسضعاف محرومان مغضوب سلاطین نهاده است. سلاطین نقابداری که چهره حقیقی خود را در پس نقاب موجه حقوق بشر پنهان داشته اند. جهادسازندگی صورتی دیگر از تفسیر عینی این آیه مبارکه بود که «قل انما اعظکم بواحدہ ان تقوموا لله مثنی و فرادا» آیتی که بیش از همه در خور امام امت تحقق یافته بود. این روح بزرگ او بود که در تن امت نقش شد و خیل جوانان را به روستاها گسیل داشت تا نهال امید را در خاک دل ها بنشانند و بذر استقلال را در همه مزارع بیفشانند. این روح قیام بود که بی خستگی، بیابان ها را پیمود، بر قلعه ها صعود کرد، از رودخانه ها گذشت و محرومان را حتی در آن سوی کوه های «بشاگرد»، در آشیانه باد یافت و آنان را به تقدیر کرامت مند این امت بزرگ پیوند زد؛ امی که بلاشک علمدار جهاد فراست در طریق استقلال و نفی غرب و شرق.

جهادسازندگی مظهر همه تلاش یک امت بود. برای در کف گرفتن سرنوشت خویش، یک حرکت بزرگ جمعی بود که با صفت خلوص و اخلاق تعریف می شد و بر همین قیاس بود که همه تلاش های صادقانه، صدقه جهاد یافت و هر تلاش خالصانه ثمربخش، «جهادی» نام گرفت. نام «جهادی» یاد آور انسان هایی شد که در طریق یک هجرت باطنی به سوی قبله، از صخره های سنگی خودپرستی گذشته بودند و قدم به دشت های سر سبز ایثار و شهادت نهاده و مصداق این توصیف امیرمؤمنان در نامه مالک اشتر واقع شده بودند که: «اولئک اُخف علیکم مؤمنون و احسن لکم مونه و احنا علیک عطفاً و اقل لغیرک الفأ...»

ای مالک اینانند که هزینه شان بر تو سبک تر است و یاریشان برایت نیکوتر است و میل و رغبتشان با تو بیشتر و الفتشان با دیگران کمتر است؛ پس آنان را خاصه جلسات خود بگیر. چه کسی بیشتر از شهدا مصداق این توصیفند؟ حضور جهادسازندگی در طول مدافعه مقدس هشت ساله

جهادسازندگی جلوه ای دیگر بود از قیامی عظیم که در فرد امام مظهریت یافته بود. برای نجات بشر شوم بخت امروز از غرقاب جاهلیتی دیگر، جاهلیتی که بنیان خویش بر اسضعاف محرومان مغضوب سلاطین نهاده است. سلاطین نقابداری که چهره حقیقی خود را در پس نقاب موجه حقوق بشر پنهان داشته اند.

در جهان امروز و تاریخ فردای کره زمین، انقلاب اسلامی ایران کهکشانی است که راه کعبه را به گمگشتگان ظلمات کفر و شرک می نمایاند. کیست که نداند این کهکشان از کدام چشمه نور استفاده می کند.

سراج منیر حیات، «خیمین سلام الله علیه» اگر چه از افق این خطه مرتفع طلوع کرد، اما چشمه خورشید تاریخ فردای زمین است و نور هر چه هست، از این پس از بحر بیکران وجود او می جوشد که به سرچشمه «نورالانوار» حقیقت اتصال یافته است. بزرگمردانی چون او در تاریخ، بسیار نیستند و هم اینانند که واسطه میان آسمان و زمین می شوند و روح ایمان و تقدس را در جان خاک می دمند. زنهار اگر اینان نباشند، شیطان حاکمیت خویش را جودانه در کره زمین خواهد گستراند. خوشا ما مردم این روزگار که تعبیر «کلمه طیبه» را در وجود او دیدیم که چگونه عصر خویش را در همین خاک که طینت آفرینش همه اینها بشر است، ثابت می گرداند؛ اما شاخ و برگ تا آسمان می گستراند. خوشا ما مردم این روزگار که دیدیم ابراهیم را که چگونه در مصاف ائمه کفر و اولیاء شیطان، پای در آتش می نهد، ولیکن آتش بر او «برد» و «سلام» می شود و از میان گلستان سر بر می آورد. خوشا مردم این روزگار که حسین را در مصاف با یزید دیدند و نیز دیدند که چگونه بشر به مظهریت تام اسما و صفات حق می رسد و بر قلعه بلندترین مراتب عرفان می نشیند؛ اما هرگز داعیه «انا بشر مثکم» را رها نمی کند.

ما بار دیگر عصر «بنیات» را تجربه کردیم و راه و رسم زندگی پیامبران را در بزرگی از ساله ابراهیم به چشم دیدیم و حقیقت را از افسانه باز شناختیم و امروز اگر چه کالبد امام امت در میان ما نیست؛ اما حضور او چون آسمان بر سر ما گسترده است و شمس حیات معنویش از وجود وسیع یار و برادرش، گستره تاریخی انقلاب اسلامی را تا افق آینده های دور، روشن داشته و هنوز باران حکمت فراگیری، زمین های تشنه وجود ما را سیراب می کند و عشق خدائیش به خلق خدا، بدر منبری است نگران شب های پر التهاب ما که امانتداران اوئیم و میراثدار جمهوری اسلامی، این یادگار ارزشمندی که در میان ما نهاده است. تحفه الهی جمهوری اسلامی تحقق تاریخی استمرار وجود اوست و در این هدیه لاهوتی که او خود واسطه نزول آن از غیب به عالم شهادت بود؛ از میان یادگاران او نام هایی هست که بیش از دیگران با یاد او پیوسته اند و «جهادسازندگی» از این زرمه است.

جهادسازندگی شجره ای بود که او خود به دست خودش کاشته و خود به باغبانیش نشسته بود. جهادسازندگی فرزند شخص او بود و صورت محقق همان عشقی که به محرومین و مظلومین گمگشته دیار فراموشی داشت و جلوه مجسم آرمان مقدس او برای دستیابی به استقلال و مبارزه با فقر و تنگدستی و ساختن این ویرانه ای که بوم کور شاهنشاهی در آن آشیان ساخته بود. جهادسازندگی جلوه ای دیگر بود از

